

# مطالعه عوامل مؤثر بر بهبود میزان مشارکت اولیاء در

## فرآیند تحصیلی فرزندان

(باقری. سیفعلی)<sup>۱</sup>. (امیرمحسنی. شاپور)<sup>۲</sup>. (محمدی یوزباشکندی. فاطمه)<sup>۳\*</sup>

۱- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملکان، ایران

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران

۳- کارشناس ارشد آموزش بزرگسالان، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملکان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۵)

### چکیده

یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش و انجمن اولیاء و مربیان، افزایش مشارکت اولیاء در امور مدارس است. تحقیق حاضر به بررسی میزان مشارکت اولیاء در فرآیند تحصیلی دانش‌آموزان و ارائه راه‌کارهای عملی برای افزایش آن می‌پردازد تا از این طریق، علل کاهش مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان‌شان مشخص گردد. جامعه آماری این تحقیق، کلیه مدیران و والدین شهرستان ملکان می‌باشد. به منظور انجام این پژوهش از کل والدین دانش‌آموزان، تعداد ۳۶۰ نفر و از کل مدیران، تعداد ۱۷۳ نفر براساس روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای است که به مشارکت در امور مدارس می‌پردازد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های "تی استیودنت"، "کای دو" و "ضریب پیرسون" استفاده شده است. نتایج حاصله از این پژوهش نشان داد که؛ بین مشخصات دموگرافیک والدین (به‌جز عامل جنسیت) و عدم‌آگاهی اولیاء از مزایای مشارکت، عدم‌آگاهی اولیاء از حقوق خویش در قبال فرزندان و مدرسه، نگرش سنتی مدیران نسبت به اداره مدرسه، عملکرد مسئولین حوزه ستادی و مدرسه و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج به‌دست آمده، وزارت آموزش و پرورش و انجمن اولیاء و مربیان باید با برابری کردن کلاس‌های آموزش خانواده از طریق استفاده از نیروهای متخصص و آموزش‌دیده، عملی کردن نظرات اولیاء در مدارس، برخورد دوستانه و محترمانه با والدین و توجه به نیازهای مخاطبان، ارتباط خود را با والدین بیشتر نماید.

**واژگان کلیدی:** مشارکت، راه‌کار عملی، والدین، دانش‌آموزان، امور تحصیلی، مدارس.

## ۱- مقدمه

در جوامع مختلف، مشارکت<sup>۱</sup>، بیش از پیش به‌عنوان عنصری ضروری در زندگی اجتماعی، مطرح بوده و در بسیاری از متون به آن پرداخته شده و اهمیت آن مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. واژه مشارکت در تاریخ زندگی انسان‌ها به‌صورت‌های مختلفی به‌کار رفته و بازتاب‌های مثبت و گسترده‌ای داشته است که نشان‌دهنده این واقعیت است که زندگی اجتماعی جز از راه مشارکت، همفکری و همیاری متقابل، امکان‌پذیر نیست. مشارکت از دیرباز و با شروع زندگی اجتماعی انسان، به‌عنوان ابزار زندگی استفاده شده و در واقع سرچشمه ایجاد تمدن و فرهنگ او بوده است.

مشارکت، نوعی پیوند چند سویه سازنده و سودمند میان تعدادی از افراد جهت تأمین برخی از نیازها است که تأمین آب، خارج از توان فردی بوده و در آن به اصل برابری انسان‌ها نیز توجه می‌شود. در دین مبین اسلام نیز به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی، توجه زیادی به امر مشارکت همگانی شده و توجه به روح جمع‌گرایی در دستورات و فرامین قرآنی به‌وضوح مشهود است. بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان نیز مشارکت در زندگی اجتماعی را جزء ذات انسان دانسته و آن را از ضرورت‌های زندگی آدمی معرفی کرده‌اند. مشارکت در آموزش و پرورش نیز پدیده‌ای است که از دیر باز مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته بوده و معنا و مفهوم آن این است که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به تأمین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع و تأمین نیازهای مربوط به آن نیستند. از این‌رو اندیشمندان، همواره در تلاشند تا راه‌کارهای مناسب و قانونمندی را برای حضور و تعامل همه‌جانبه مردم و مسئولان در عرصه تعلیم و تربیت فراهم نمایند. سازماندهی و نهادینه کردن خودیاری اولیاء در امور آموزشی و پرورشی، حمایت از خیرین مدرسه‌ساز، تشویق مردم در زمینه واگذاری زمین، ساختمان و دیگر امکانات مورد نیاز مدرسه و آموزش و پرورش، نمونه‌ای از این راه‌کارها است [۸].

با نگاهی به گذشته آموزش و پرورش به‌عنوان مردمی‌ترین نهاد دولتی، درمی‌یابیم که با توجه به وفاداری به ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی و اعتقادی، این نهاد همواره مورد علاقه مردم بوده و عشق و علاقه و درک مردم از تعلیم و تربیت با جلوه‌های بیشتر مشارکت مردمی، ابعاد وسیعی پیدا کرده است و آن‌ها مهمترین فصل مشترک خود را با دولت در آموزش و پرورش یافته‌اند. از این‌روست که امروزه مفهوم مشارکت بسیار عام‌تر از گذشته و به‌معنای دست در دست هم گذاشتن برای انجام

کارهایی است که می‌تواند به صورت پرداخت وجوه مادی، انجام کمک‌های فکری و حتی کارهای تخصصی و غیره باشد.

آنچه که امروز به مشارکت در یک جامعه معنا می‌دهد، اراده و خواست و باور مردم در انجام آن است و این زمانی تحقق می‌یابد که دو عنصر آگاهی بر امر مشارکت و تضمین نحوه مشارکت به‌عنوان اموری جدی و مستمر مورد توجه قرار گیرند.

اگر مردم از مشارکت و نیاز به آن، اطمینان حاصل نمایند و بدانند که مشارکت آن‌ها فرایندی جدی است و از طرف دیگر مسئولان ذی‌ربط و دست‌اندرکاران امور اجرایی و آموزش کشور نیز از این مشارکت به صورت مطلوب استقبال نمایند و نظرات سازنده و قابل اجرای مشارکت‌کنندگان را به کار گیرند، می‌توان باور داشت که مردم از انجام آن، مضایقه نخواهند کرد. آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی اجتماعی جهت تأمین نیازهای جامعه و مدرسه به‌عنوان خط مقدم جبهه تعلیم و تربیت برای انجام صحیح رسالت خود، باید با جامعه رابطه برقرار نماید. از این‌رو، رابطه اجتماع و مدرسه، فرایندی تعاملی و مداوم است و در صورتی که این تعامل، شکل مشارکت آگاهانه به‌خود بگیرد، موجب اثربخشی و کارایی بیشتر مدارس می‌شود. با ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت فعال<sup>۲</sup> و معنی‌دار والدین و سایر شهروندان در فعالیتهای آموزشی و پرورشی، می‌توان ذهن مردم را نسبت به آموزش و پرورش، رسالت‌ها و اهداف آن، موفقیت مدارس و اهمیت و ضرورت برنامه‌ها روشن نمود و با تغییر نگرش آن‌ها نسبت به موضوع، زمینه‌های مناسب برخوردار از حمایت، مشارکت و کمک‌های اجتماعی را فراهم آورد [۱۳].

تربیت امر خطیر و مهمی است که عناصر بسیاری در آن دخیل‌اند. این مسئولیت سنگین به‌تنهایی و بدون یاری و مساعدت مردم فهیم و اولیاء محترم به انجام نخواهد رسید. از طرف دیگر، با توجه به اهمیت به‌سزایی که مدرسه در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان دارد، احساس مسئولیت و توجه اولیاء محترم، لازم و ضروری است و مشارکت مستمر آنان به تربیت فرزندان شایسته و متعهد خواهد انجامید. لذا، بررسی و شناسایی موانع و راه‌های توسعه مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور گوناگون آموزش و پرورش و به‌خصوص مدارس، امری لازم و حیاتی است.

تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اولیاء در مسائل مربوط به امور تحصیلی فرزندان خود مشارکت دارند و علاوه بر آگاهی از وضعیت تحصیلی فرزندان‌شان مسائلی چون رشد

عاطفی و رشد اجتماعی آنان را نیز مطرح می‌کنند و از سوی دیگر پژوهش‌های انجام شده بر تأثیر مدرسه، خانواده و ارتباطات محلی در موفقیت دانش‌آموزان تأکید می‌گذارد و ارتباط مؤثر و مثبت میان خانواده و موفقیت درسی دانش‌آموزان، صرف‌نظر از نژاد و قوم و سطح معلومات والدین برای همگان مشخص و مشهود شده است [۱۳]. مطابق یافته‌های پژوهشگران بومی، مدیرانی که می‌توانند نقش مؤثری در جلب مشارکت مردم داشته باشند، مدارس بسیار پویا و موفق از نظر تعلیم و تربیت دارند [۱۳]. تأثیر زیاد تصمیم‌گیری مدرسه‌محور بر اساس مشارکت معلمان، مدیران، والدین و اعضای گروه‌های اجتماعی بهبود محیط یادگیری دانش‌آموزان را به اثبات رسانده است [۲۰]. ارتباط صمیمی و غیررسمی بین والدین و کارمندان، اطلاع‌رسانی به والدین و ایجاد محیطی گرم و خوشایند در مدرسه، نمونه‌های از راهبردهای مطلوب جهت افزایش مشارکت در امور آموزشگاه‌ها محسوب می‌شوند [۸]. تحقق نظام آموزشی و پرورشی که ایفای نقش مردم در آن، شأن و منزلت برجسته‌ای پیدا کند، یکی از آرزوهای بر آورده نشده‌ای است که اکنون، جامعه ما با آن مواجه است. البته مشارکت و حضور مردم در صحنه آموزشی و پرورشی از مدت‌ها پیش آغاز شده و برای پیمودن راه کمال آن، گام‌های زیادی باید برداشته شود.

اندیشه نزدیکی اولیاء خانه با اولیاء مدرسه از دهه‌های نخستین شکل‌گیری تعلیم و تربیت جدید در کشور ما ظهور کرده است، اما همواره عوامل مختلف، مانع از تحقق این نیاز مبرم بوده است. در حال حاضر، بار سنگین مشکلات آموزش و پرورش، حضور اولیاء را در جوه گوناگون فعالیت‌های مدرسه، امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است. لذا دستیابی به خط‌مشی‌های مشارکتی مناسب از لابه‌لای بخشنامه‌های اداری، استخراج نمی‌شود و نیازمند انجام تحقیقات ملی و بنیادی است. به عبارت دیگر، آنچه اساس و مبنای رفتارهای مشارکتی را فراهم می‌آورد، توسعه افق دید و گستره فکری اولیاء است و این امر تنها در سایه سفارش‌ها و تأکیدات لفظی و شفاهی میسر نمی‌شود، بلکه زمینه‌ای عملی برای آزمون و خطا می‌طلبد. لذا با برقراری رابطه‌ای اثربخش می‌توان ذهن مردم را نسبت به آموزش و پرورش، رسالت‌ها و اهداف آن، موقعیت مدارس و اهمیت و ضرورت برنامه‌های آن روشن ساخت [۴].

اصولاً اولیاء دانش‌آموزان باید به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در مسائل مربوط به آموزش و رشد فرزندان خود مشارکت داشته باشند. اولیاء نباید چشم‌پسته فرزندان خود را به مدرسه بسپارند بلکه

باید بکوشند مسائل آموزشی را درک نموده و سهم خود را از لحاظ مسئولیت آموزش و پرورش فرزندانی که به دنیا می‌آورند، برعهده گیرند [۴]. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش، عبارت است از اینکه عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت والدین در امور آموزشی کدامند. در این پژوهش با مطالعه مبانی نظری، فرضیاتی تدوین و آزمون می‌شوند.

## ۲- مروری بر مبانی نظری

### ۲-۱- مفهوم مشارکت

مشارکت از مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی است و از گذشته‌های دور در متون جامعه‌شناسی مطرح بوده است. مفاهیمی مانند اجتماع یا همبستگی، دقیقاً بیان‌گر مفهوم مشارکت هستند. در بعضی از متون و منابع، مشارکت نوعی کوشش دسته‌جمعی است که تمامی افراد برای رسیدن به یک هدف خاص یا با استفاده از تمامی امکانات بالقوه در ارائه پیشنهادات، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، مراقبت و بهره‌وری برای دستیابی به اهداف مصروف می‌دارند [۱۶]. به تعبیری بهتر می‌توان گفت، مشارکت، وارد کردن هدف‌های گروهی در دایره هدف‌های شخصی هر یک از اعضاء است [۹]. از جنبه ارتباط بین فردی، مشارکت عبارت است از درگیر شدن ذهنی و عاطفی فرد در گروهی که او را بر می‌انگیزانند تا برای دستیابی به مقصود گروه و پذیرش مسئولیت حرکت کند [۵].

مطالعه منابع مختلف نشان می‌دهد که نگرش‌ها و استراتژی‌های متضادی پیرامون مشارکت ارائه شده است. ظهور مکاتب فکری متفاوت پیرامون مشارکت، امکان توافق بر اشکال مناسب مشارکت و بازده قابل پیش‌بینی چنین ترتیباتی را با مشکل مواجه ساخته است. هر یک از این دیدگاه‌ها، فرض‌های روانشناسی و اجتماعی، ارزش‌ها و اهداف خاصی را مطرح می‌سازند و بررسی موضوعات خاصی را برای مشارکت، مورد نظر قرار می‌دهند. این دیدگاه‌ها حتی در خصوص تعریف مشارکت نیز وحدت‌نظر ندارند [۱۱]. مشارکت، ابعاد گوناگونی دارد که هر کدام ویژگی‌های خود را دارند اما نحوه عملی شدن مشارکت، از آن جمله مشارکت در اقتصاد به عواملی چند، تحت عنوان مبانی مشارکت بستگی دارد. آمیزه‌ای از این مبانی نظری که خود به صورت یک نظام پیچیده و در هم‌تنیده عمل می‌کند، رویکرد نظام را نسبت به موضوع مشارکت تعیین می‌کند. ارتباط این مبانی را در مشارکت مردم در کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید مورد بررسی دقیق قرار داد.

## ۲-۲- عوامل مؤثر در میزان مشارکت در آموزش و پرورش

مجموعه عوامل مؤثر و نحوه کنش و واکنش آن‌ها نسبت به یکدیگر، فرهنگ مشارکت را تشکیل می‌دهد. بنابراین به‌منظور پاینده ساختن فرهنگ مشارکت، باید به ابعاد گوناگون مشارکت و مبانی متفاوت آن و تأثیر هر کدام از آنها بر یکدیگر مدنظر قرار گیرد. اقداماتی نظیر اخذ پول از مردم و یا ساختن مدرسه غیر انتفاعی و... نمی‌تواند فرهنگ مشارکت را در جامعه پاینده سازد. این مبانی، ریشه در تاریخ و فرهنگ هر جامعه دارد و عدم توجه به این ریشه‌ها و اقدام‌های به‌ظاهر مفید و مؤثر، هم‌نوا با رشد و توسعه فرهنگ مشارکت، نخواهد بود [۱۵].

وقتی صحبت از عوامل تأثیرگذار در میزان مشارکت مردم در آموزش و پرورش به‌میان می‌آید، هر دو عامل برانگیزنده برای مشارکت و کاستی‌های بیرونی و درونی سیستم آموزش و پرورش مدنظر قرار می‌گیرد؛ لذا با توجه به این که هدف این مقاله شناخت عوامل تأثیرگذار در میزان مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان است، از مجموعه عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ مشارکت، نقش مؤلفه‌های ذیل به‌عنوان عوامل مهم مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛

عوامل فلسفی و دینی، عوامل روان‌شناختی، عوامل سیاسی، عوامل جامعه‌شناختی، عوامل مدیریتی، عوامل اقتصادی، کاستی‌های درونی آموزش و پرورش، کاستی‌های بیرونی آموزش و پرورش [۱۴].

## ۲-۳- توانمندسازی مشارکت خانواده در نظام تعلیم و تربیت

خانواده به‌عنوان رکن اصلی در شکل‌گیری شخصیت کودک و مشاور و ناظر فعالیت‌های مدرسه در تربیت صحیح فرزندان جامعه است و مدرسه نیز به‌عنوان مرکز انتقال مفاهیم علمی و آموزشی و تربیت‌کننده دانش‌آموزان جهت ورود به جامعه است. همگان در این امر، اتفاق نظر دارند که محیط و فضای خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی که کودک در آن به‌سر می‌برد، در رشد او اثر فراوان دارد. محیط خانوادگی محیط طبیعی اوست که در آن یادگیری نخستین خود را آغاز می‌کند، چگونگی این محیط در سال‌های نخستین حیات، همه دوران زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از وظایف خانواده، پیگیری مسائل آموزشی فرزندان و ایفای نقش مکمل معلم و مدرسه در هدایت تحصیلی آنان و ایجاد علاقه، انگیزش و گرایش مثبت در دانش‌آموز نسبت به درس و مدرسه است. همین توجه و پیگیری و اهمیت دادن والدین است که سبب ایجاد نگرش تحصیلی مناسب در

فرزند، تأمین فضای روانی و عاطفی مطلوب و محرک در خانه نسبت به آموزش، مطالعه و انجام تکالیف درسی خواهد شد [۱].

پدران و مادرانی که فکر می‌کنند تربیت حقیقی، وظیفه مدرسه و اجتماع است و خانواده در این زمینه، کاری نمی‌تواند بکند، سخت در اشتباه‌اند. در این میان نمی‌توان نقش مدرسه را نادیده گرفت. بی‌تردید خانه و مدرسه، دو نهاد اساسی هستند که در کنار هم، امر تربیت نسل جدید را برعهده دارند و آنان را در جهت رشد، هدایت می‌کنند. هیچ مدرسه‌ای نمی‌تواند بدون جلب نظر و کمک والدین دانش‌آموزان، در امر تربیت فرزند آنان موفق باشد و نیز هیچ پدر و مادری نخواهند توانست، بدون جلب نظر و همکاری مدرسه در امر تربیت فرزندان خود توفیق یابند. بر این اساس، رابطه و پیوند بین این دو نهاد اساسی باید به‌گونه‌ای باشد که والدین و مربیان احساس نیاز کنند و دست‌به‌دست هم داده و با یاری یکدیگر، سرمایه‌های این کشور را رشد دهند. همسویی خانه و مدرسه در عالی‌ترین شکل خود در قالب فعالیت‌های انجمن اولیاء و مربیان جلوه‌گر می‌شود. امروز انجمن‌های اولیاء و مربیان، پرمعناترین وسیله ارتباط بین خانه و مدرسه هستند [۱۸].

مشارکت و هماهنگی خانه و مدرسه، آگاهی‌هایی را برای والدین به‌دنبال خواهد داشت که برای تربیت فرزندان‌شان مؤثر بوده و در نهایت در درمان بسیاری از ناهنجاری‌های جامعه موفق خواهند بود. با مشارکت جدی بین خانه و مدرسه، مدیران از وضعیت دانش‌آموزان در جنبه‌های مختلف آموزشی، مالی، تربیتی و غیره، آگاهی بیشتری به‌دست آورده و در برنامه‌ریزی‌های خود توجه خاصی به این داده‌ها مبذول خواهند داشت [۶].

در کشور ما هر کجا از مشارکت خانواده در امور آموزش و پرورش سخن به‌میان آمده است، بیشترین توجه، جلب مشارکت مالی اولیاء برای گذراندن امور جاری مدارس شده است و کمتر از وجوه دیگری که خانواده می‌تواند مدرسه را یاری دهد، سخن به‌میان آمده است و شاید بتوان گفت عملاً اقدامی در جهت به‌کارگیری این توان، صورت نگرفته است. در صورتی که تلاش خانواده در جهت بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش و کاهش افت تحصیلی فرزندان از نظر اقتصادی بیشتر از کمک‌های مالی خانواده‌ها بر آموزش و پرورش تأثیر دارد [۱۲].

نگاهی به‌مسائل ناشی از توسعه کمی آموزش و پرورش ایران و ناکافی بودن اعتبارات آموزش و پرورش جهت پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی، بیان‌گر بحران در آموزش و پرورش است. لذا مشارکت

مردم در قالب همکاری خانه و مدرسه جهت پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی، مالی و فرهنگی جهت گسترش کیفیت آموزش در مدارس، امری ضروری است.

بهترین مشارکت خانواده در ارتقاء آموزش و پرورش دانش‌آموزان، نظارتی است که والدین در مورد فرزندان خود از طریق برنامه‌ریزی صحیح، کنترل، نظارت همه‌جانبه، ایجاد امکانات مناسب آموزشی، تربیتی و همکاری با برنامه‌های مدرسه می‌توانند داشته باشند [۱۲].

#### ۲-۴- پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در زمینه مشارکت والدین در مدارس در ایران و سایر کشورها انجام شده است، ذیلاً به چند مورد از آنها اشاره می‌شود؛

قاسمی پویا در سال ۱۳۷۷ در پژوهشی تحت عنوان «راه‌های حصول به مشارکت‌های مردمی در امور آموزش و پرورش» در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر برآمد؛

۱. در حال حاضر، مشارکت به چه صورت‌هایی انجام می‌گیرد؟
۲. با توجه به مفهوم و هدف‌های مشارکت، کدام‌یک از راه‌های فعلی مؤثر بوده‌اند؟
۳. تنگناها و کاستی‌های راه‌های فعلی مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش کدامند؟
۴. به‌منظور رفع کاستی‌ها و گسترش راه‌های فعلی مشارکت مردم چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟
۵. به چه راه‌های دیگری می‌توان، مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش را گسترش داد؟
۶. تجارب کشورهای دیگر در این زمینه چیست؟

محدوده تحقیق در این پژوهش به مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش پیش از دانشگاه، از ابتدایی تا پایان دوره متوسطه، محدود بود. در این تحقیق از روش تحقیق کیفی استفاده شد و جامعه آماری آن شامل صاحب‌نظران امور اجتماعی و فرهنگی و تربیتی، فرهنگیان و دست‌اندرکاران، دانشگاهیان و کارکنان زیربند ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، روحانیون و... بوده و با روش نمونه‌گیری تصادفی هدفمند، انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد، روش‌هایی نظیر وقف، انجمن اولیاء و مربیان، فعالیت معاونت‌های مشارکت‌های مردمی سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس، بنیاد ۱۵ خرداد، جهاد مدرسه‌سازی، مدارس غیرانتفاعی، شوراها و آموزش و پرورش



و خانه‌های فرهنگ از روش‌های فعلی مشارکت محسوب می‌شوند و باید وضعیت موجود این‌گونه مشارکت‌ها را تقویت نمود.

نظر به اهمیت تشکل‌های مردمی در تدارک بستر اجتماعی و فرهنگی مشارکت، بهتر است دولت زمینه‌های قانونی و عملی تشکیل و گسترش این تشکل‌ها را فراهم ساخته و از آنها حمایت کند. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به اثرات مثبت و سازنده مشارکت دانش‌آموزان، معلمان و اولیاء در اداره مدرسه و تصمیم‌گیری‌ها اشاره کرد که نقش مهمی را در رفع کاستی‌های موجود و پیشبرد اهداف آموزش و پرورش داشته‌اند.

در تحقیقی که مؤذن‌پور (۱۳۷۶) به‌منظور آگاهی از انتظارات معلمان دوره ابتدایی از اولیاء و از ۱۰۰ نفر از معلمان مقطع ابتدایی آموزش و پرورش مناطق ۵، ۷، ۱۰ و ۱۱ شهر تهران انجام داد، به نتایج زیر دست یافت؛

۱. آنان انتظار دارند والدین و به‌خصوص مادران برای شناخت بهتر فرزندان و حل مشکلات تربیتی آنان به‌طور مستمر و منظم با معلم کودک خود ارتباط داشته باشند تا در نتیجه همکاری و به‌کارگیری توصیه‌های آنان، تغییرات مطلوبی در رفتار کودکان به‌وجود آید.

۲. آنان انتظار دارند که اولیاء در زندگی روزمره خود و همچنین در رسیدگی به وضع تحصیلی و تربیتی کودک از برنامه منظم و مشخصی پیروی نمایند. ضمن آنکه، لازم است اولیاء محیط خانه را با حفظ آرامش و ساماندهی مناسب به کودکان به محل تعلیم و تربیت کودک تبدیل نمایند.

۳. آنان انتظار دارند که تربیت کودک فقط به معلم و آموزشگاه محدود نشود و والدین از هر فرصتی برای آموزش کودکان استفاده نمایند. برای تحقق این امر باید به‌تناسب و ارتباط آموزش‌های خانه و مدرسه توجه گردد.

آهنگری فراهانی در سال ۱۳۷۵ در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر آموزش مشارکت اولیاء بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار داد؛

۱. بین آموزش مشارکت اولیاء و پیشرفت تحصیلی فرزندان ارتباط وجود دارد.

۲. بین مشارکت و همکاری اولیاء و سطح انضباط و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی ناحیه یک شهرستان اراک بود و نمونه آماری آن با استفاده از شیوه‌های نمونه‌گیری طبقاتی و تصادفی ساده به تعداد ۳۰۰ نفر در

قالب گروه‌های گواه و آزمایش انتخاب شدند و داده‌های مربوط به متغیرها از طریق آزمون رشد اجتماعی، آزمون پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آزمون گردید و نتایج زیر حاصل شد؛

۱. مشارکت اولیاء، توانسته است در پیشرفت تحصیلی دختران بیش از پسران مؤثر باشد.
۲. اعمال مشارکت و همکاری اولیاء موجب ارتقاء سطح انضباط دانش‌آموزان گردیده است.
۳. مشارکت اولیاء در بهداشت عملی دانش‌آموزان دارای تأثیر اندکی می‌باشد.

در پژوهشی دیگر تحت عنوان «بررسی تأثیر آموزش‌های خانواده و مدرسه بر پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان ارومیه» که توسط شیخ‌زاده در سال ۱۳۷۵ صورت گرفت، نتایج زیر حاصل گردید؛

۱. انجام آزمون‌های آموزش خانواده و مدرسه باعث ایجاد علاقه‌مندی اولیاء برای حضور در مدرسه، ارتباط بهتر آنها با مربیان و از طرف دیگر باعث توسعه نظری نسبت به دانش‌آموزان و اولیاء دیگر گردیده است.
۲. آموزش‌های خانواده و مدرسه به‌صورت مستقیم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و برخورد صحیح مدرسه و خانواده در توجه به چگونگی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، مؤثر بوده است.

نتایج تحقیق سبحانی‌نژاد (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی موانع مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس متوسطه شهر اصفهان» نشان داد که؛

- ۱) در میان موانع خانوادگی، مقوله اقتصاد خانواده بیش از سایر مقوله‌های مورد بررسی بر عدم مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس تأثیر داشته است و پس از آن به‌ترتیب، مقوله‌های سطح تعامل خانواده، فرهنگ خانواده، مشکلات خانوادگی و رعایت علایق دانش‌آموزان قرار می‌گیرند.
- ۲) در میان موانع اجتماعی، مقوله وضع سیاسی جامعه بیش از سایر مقوله‌های مورد بررسی بر عدم مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس تأثیر دارد و پس از آن به‌ترتیب، مقوله‌های وضع اقتصادی و وضع فرهنگی قرار می‌گیرند.
- ۳) در میان موانع مدیریتی مدارس، مقوله سطح تلاش مدیر مدرسه برای جذب و آگاه‌سازی والدین، بیش از سایر مقوله‌های مورد بررسی بر عدم مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس تأثیر گذاشته و پس از آن به‌ترتیب، مقوله‌های سطح روحیه مشارکت‌جویی مدیر و همکاران وی، سبک

مدیریتی مدیر، سطح مهارت‌های انسانی مدیر و همکاران وی و خصایص فردی مدیر و همکاران وی قرار می‌گیرند.

۴) در میان موانع ساختاری آموزش و پرورش، مقوله ساختار و تشکیلات انجمن اولیاء و مربیان بیش از سایر مقوله‌های مورد بررسی بر عدم مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس تأثیر داشته است. آرنولد<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) در پژوهشی عوامل مدیریتی مؤثر جهت مشارکت والدین در امور مدارس ابتدایی را مورد مطالعه قرار داد. براساس نتایج این پژوهش، برنامه‌های مشارکتی والدین در یک مدرسه به عقاید، تصمیم‌گیری‌ها و مهارت‌های مدیر مدرسه در برقراری ارتباط بستگی دارد.

کازلو<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) در پژوهشی به این نتیجه رسید که اگر معلم، مدیران، والدین و اعضای گروه‌های اجتماعی به‌طور مرتبط باهم، جهت بهبود محیط یادگیری فرزندان‌شان در مدرسه فعالیت کنند. میل به برتر بودن در آموزش و پرورش به‌وجود می‌آید.

فنیلی (۲۰۰۱) نشان داد که عواملی نظیر سبک رهبری مدارس، نوع تصمیم‌گیری‌ها و ارتباطات خانه و مدرسه در جلب مشارکت والدین مؤثر است.

ما<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان داد که مدیران مدرسه باید از نقش مؤثرشان در مشارکت والدین آگاه بوده و بدانند که انطباق مدیران با آداب، افکار و عقاید والدین، مشارکت فعال مدیران در انجام امور مختلف و نهایتاً برقراری ارتباطات مثبت با والدین از جمله عوامل مؤثر در گسترش ارتباط خانه و مدرسه و مشارکت فعال والدین در امور آموزشگاه می‌باشد.

### ۳- فرضیه‌های تحقیق

۱. بین عدم آگاهی اولیاء از مزایای مشارکت و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد.

۲. بین عدم آگاهی اولیاء از حقوق خویش در قبال فرزندان و مدرسه و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد.

۳. بین نگرش سنتی مدیران نسبت به اداره مدرسه و میزان مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد.

۴. بین عملکرد مسئولین اداره و مدرسه و میزان مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان شان رابطه وجود دارد.

۵. بین مشخصات دموگرافیک والدین (جنسیت، میزان درآمد، شغل، مدرک تحصیلی، سن) و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان شان رابطه وجود دارد.

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

روش انجام تحقیق با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، در زمره تحقیقات توصیفی از نوع پیمایشی بوده و با توجه به ملاک، تحقیق کاربردی محسوب می‌گردد. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده که با اعمال نظرات اصلاحی متخصصین حوزه علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، روایی آن تأیید شده است و برای تعیین میزان پایایی ابزار، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول شماره ۱ نشان‌دهنده میزان پایایی ابزار مورد استفاده در این تحقیق می‌باشد. همچنین، از مطالعات کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به پیشینه تحقیق و برای جمع‌آوری اطلاعات از والدین بی‌سواد و کم‌سواد از روش مصاحبه استفاده شده است.

جدول ۱- مربوط به ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی پرسش‌نامه

اولیاء	مدیران	پرسش‌نامه
٪۷۳	٪۷۸	میزان آلفای کرونباخ

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دو گروه متفاوت می‌باشد؛

۱- کلیه اولیاء دانش‌آموزان مدارس منطقه ملکان، اعم از مدارس دولتی و خصوصی در سال تحصیلی ۹۰-۹۱، به تعداد ۵۸۹۱ نفر (پدر و مادر مشترکاً به‌عنوان یک ولی در نظر گرفته شده است).

۲- کلیه مدیران مدارس دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه منطقه به‌تعداد ۱۷۳ نفر به‌جز مدارس راه دور که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ برای آن‌ها ابلاغ مدیریت صادر شده است.

با توجه به این که جامعه آماری این تحقیق کلیه مدیران (زن و مرد) و اولیاء دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه منطقه در سال تحصیلی (۹۱-۹۰) می‌باشد، لذا برای انتخاب نمونه‌های آماری مورد نیاز به ترتیب زیر عمل شده است:

۱. با توجه به این که جامعه آماری مدیران از گستردگی زیادی برخوردار نمی‌باشد، لذا کلیه جامعه آماری این گروه به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

۲. برای انتخاب نمونه آماری اولیاء دانش‌آموزان با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۶۰ نفر اولیاء انتخاب گردید. با توجه به این که این تعداد ۲ درصد کل دانش‌آموزان را شامل می‌شود؛ از هر مدرسه به تعداد ۲ درصد از دانش‌آموزان به شیوه تصادفی انتخاب شده و پرسش‌نامه در اختیار اولیاء آنان قرار گرفته است.

جدول ۲- پارامترهای مربوط به نمونه آماری اولیاء دانش‌آموزان

نماد	N	N	T	D	P	Q
مفهوم	جامعه آماری	حجم نمونه	ضریب اطمینان	سطح خطای مورد قبول	تخمینی از نسبت افرادی که ویژگی مورد نظر را دارند	l-p
تعداد اولیاء	۵۸۹۱	۳۶۰	۱.۹۶	۰.۰۵	۰.۵	۰.۵

در انجام این تحقیق با توجه به ماهیت متغیرها، از آماره‌های توصیفی مانند فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، میانه، انحراف معیار و... استفاده شده است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آزمون‌های (کای‌دو و ضریب پیرسون و t-test) تحت برنامه SPSS استفاده شده است. برای مقایسه میانگین گروه‌ها از آزمون t و برای برقراری رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از آزمون  $\chi^2$  پیرسون استفاده شده است.

## ۵- یافته‌های تحقیق

### ۵-۱- فرضیه اول

در بررسی فرضیه اول مبنی بر این که «بین عدم آگاهی اولیاء از مزایای مشارکت و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد»، با توجه به اطلاعات مندرج در جداول آماری پژوهش می‌توان دریافت؛

جدول ۳- داده های مربوط به فرضیه اول پژوهش

شاخص های آماری						
	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین		
مدیران	۱۷۳	۲/۵۲۴۴	۰/۴۸۲۷۶	۰/۰۳۶۷۰		
اولیاء	۳۶۰	۲/۹۸۷۰	۰/۴۴۰۸۶	۰/۰۲۳۲۴		
آزمون فرض برای میانگین جامعه						
ملاک آزمون = ۲						
	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف	فاصله اطمینان برای تفاضل میانگین ها	
					کران پایین	کران بالا
فرضیه امیدیران	۱۴/۲۸۶	۱۷۲	۰/۰۰۰	۰/۵۲۴۳۶	۰/۴۹۱۵	۰/۵۹۶۸
فرضیه اولدین	۴۲/۴۸۰	۳۵۹	۰/۰۰۰	۰/۹۸۷۰۴	۰/۹۴۱۳	۱/۰۳۲۷

انجام آزمون های فرض دوطرفه میانگین، بیشتر از عدد دو را نشان می دهند و میانگین اختلاف مثبت است، لذا فرض آماری یعنی فرضیه پژوهش پذیرفته می شود. هم چنین با توجه به سطح معنی داری جدول مربوط به ضریب پیرسون؛ بین عدم آگاهی اولیاء از مزایای مشارکت و میزان آن رابطه وجود دارد و این رابطه قوی می باشد. در تأیید یافته های پژوهش قاسمی پویا در سال ۱۳۷۷ در پژوهشی تحت عنوان «راه های حصول به مشارکت های مردمی در امور آموزش و پرورش» به اثرات مثبت و سازنده شرکت دانش آموزان، معلمان و اولیاء در اداره مدرسه و تصمیم گیری ها اشاره می کند که نقش مهمی را در رفع کاستی های موجود و پیشبرد آموزش و پرورش دارند. آهنگری فراهانی در سال ۱۳۷۵ نیز در موضوعی دیگر تحت عنوان «بررسی تأثیر آموزش مشارکت اولیاء بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» نشان داد که «بین آموزش مشارکت اولیاء و پیشرفت تحصیلی

فرزندان ارتباط وجود دارد و همچنین بین مشارکت و همکاری اولیاء و سطح انضباط و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد».

جدول ۴- مربوطه به داده‌های همبستگی فرضیه اول

عدم آگاهی اولیاء از مزایای مشارکت		
میزان مشارکت	سطح معنی داری	ضریب همبستگی
		۰/۰۰۵

## ۲-۵- فرضیه دوم

«بین جنسیت، میزان درآمد، شغل، مدرک تحصیلی و سن والدین و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد».

این فرضیه به فرضیه‌های زیر تفکیک شده و هر فرضیه، جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

برای بررسی این فرضیه، مبنی بر این که «بین جنسیت والدین و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد» باتوجه به اطلاعات مندرج در جداول آماری پژوهش می‌توان دریافت که چون سطح معناداری دوطرفه از ۰/۰۵ بیشتر است، لذا بین دو متغیر، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین جنسیت والدین و میزان مشارکت آنان رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. اما مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۴ توسط مرسیر انجام گرفت، نشان داد که جنسیت بر روی نگرش افراد در مورد چگونگی مشارکت آنان در امور مدرسه تأثیر دارد. این یافته با یافته‌های تحقیق حاضر ناهمخوان است.

برای بررسی این فرضیه مبنی بر این که «بین میزان درآمد ماهیانه والدین و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد»، باتوجه به اطلاعات مندرج در جداول آماری پژوهش می‌توان دریافت که چون سطح معناداری دوطرفه از ۰/۰۵ کمتر است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان درآمد ماهیانه والدین و میزان مشارکت آنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد. نتایج تحقیق بگلو (۱۳۷۴)، برخلاف یافته‌های پژوهش

حاضر، نشان می‌دهد که هرچه موقعیت اقتصادی خانواده‌ها از نظر میزان درآمد، بالاتر می‌رود، میزان افزایش مشارکت آنان تفاوتی نشان نمی‌دهد.

جدول ۵- داده‌های جنسیت و میزان مشارکت اولیاء

جنس * مشارکت جدول توافقی				
تعداد		مشارکت		کل
		بله	خیر	
جنس	مرد	۲۲۸	۶۱	۲۸۹
	زن	۵۳	۱۸	۷۱
کل		۲۸۱	۷۹	۳۶۰
مقدار		درجه آزادی	سطح معنی داری دو طرفه	
شاخص‌های آزمون کای دو		۰/۶۰۰	۱	۰/۴۳۹

جدول ۶- داده‌های درآمد و میزان مشارکت اولیاء

درآمد ماهیانه * مشارکت جدول توافقی				
		مشارکت		کل
		بله	خیر	
درآمد ماهیانه	کمتر از ۳۰۰ هزار	۱۳۱	۵۱	۱۸۲
	بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار	۱۳۶	۲۸	۱۶۴
	بین ۶۰۰ تا یک میلیون	۱۴	۰	۱۴
کل		۲۸۱	۷۹	۳۶۰
آزمون کای دو				
مقدار		درجه آزادی	سطح معنی داری دو طرفه	
شاخص‌های آزمون کای دو		۱۰/۱۳۳	۲	۰/۰۰۶



جدول ۷- داده‌های شغل و میزان مشارکت اولیاء

شغل * مشارکت جدول توافقی				
تعداد		مشارکت		کل
		بله	خیر	
شغل	بازاری	۹۱	۱۱	۱۰۲
	کشاورز	۸۳	۴۱	۱۲۴
	کارمند	۴۷	۶	۵۳
	ازاد	۶۰	۲۱	۸۱
کل		۲۸۱	۷۹	۳۶۰
آزمون کای دو				
		مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری دو طرفه
شاخص‌های آزمون کای دو		۲۰/۶۱۰	۳	۰/۰۰۰

- یافته‌های فرضیه «بین مدرک تحصیلی والدین و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد»، نشان می‌دهد که چون سطح معناداری دوطرفه از ۰/۰۵ کمتر است، لذا بین دو متغیر، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین مدرک تحصیلی والدین و میزان مشارکت آنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بگلو (۱۳۷۴) در تحقیق خود به نتایجی همسو با پژوهش حاضر دست یافته است. طبق نتایج پژوهش، وی هرچه میزان سواد والدین بالاتر می‌رود میزان مشارکت آنها نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۸- داده‌های سواد و میزان مشارکت اولیاء

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی نسبی تجمعی
گزینه‌ها	دیپلم	۴	۲/۳	۲/۳	۲/۳
	فوق دیپلم	۷۱	۴۱/۰	۴۱/۰	۴۳/۴
	لیسانس	۸۸	۵۰/۹	۵۰/۹	۹۴/۲
	فوق لیسانس	۱۰	۵/۸	۵/۸	۱۰۰/۰
	کل	۱۷۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

- برای بررسی این فرضیه مبنی بر این که «بین سن والدین و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد»، باتوجه به اطلاعات مندرج در جداول آماری پژوهش، می‌توان دریافت که چون سطح معناداری دوطرفه از ۰/۰۵ کمتر است، لذا بین دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین سن والدین و میزان مشارکت آنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد. در تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۴ توسط مرسیر انجام گرفت، نشان داد که سن افراد بر روی نگرش آنها در مورد چگونگی مشارکت آنان در امور مدرسه تأثیر دارد. بگلو (۱۳۷۴) نیز در تحقیق خود نشان داد که بین سن والدین و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد.

جدول ۹- داده‌های سن و میزان مشارکت اولیاء

	درصد فراوانی نسبی تجمعی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	
گزینه ها	۹/۴	۹/۴	۹/۴	۳۴	کمتر از ۳۰
	۶۳/۳	۵۳/۹	۵۳/۹	۱۹۴	بین ۳۰ تا ۴۰
	۹۱/۱	۲۷/۸	۲۷/۸	۱۰۰	بین ۴۰ تا ۵۰
	۹۸/۳	۷/۲	۷/۲	۲۶	بین ۵۰ تا ۶۰
	۱۰۰/۰	۱/۷	۱/۷	۶	بالاتر از ۶۰
		۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۳۶۰	کل

### ۳-۵- فرضیه سوم

فرضیه سوم به بررسی این موضوع می‌پردازد که «بین عدم آگاهی اولیاء از حقوق خویش در قبال فرزندان و مدرسه و میزان مشارکت آنان در امور تحصیلی فرزندان‌شان رابطه وجود دارد»، باتوجه به اطلاعات مندرج در جداول آماری پژوهش، می‌توان دریافت که؛

جدول ۱۰- داده‌های مربوط به فرضیه سوم پژوهش

شاخص های آماری						
	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین		
مدیران	۱۷۳	۲/۳۸۶۱	۰/۵۳۵۰۹	۰/۰۴۰۶۸		
اولیاء	۳۶۰	۲/۲۹۱۰	۰/۵۰۰۰۶	۰/۰۲۶۳۶		
آزمون فرض برای میانگین جامعه						
ملاک آزمون = ۲						
	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف	فاصله اطمینان برای تفاضل میانگین‌ها	
					کران پایین	کران بالا
فرضیه ۱ مدیران	۹/۴۹۱	۱۷۲	۰/۰۰۰	۰/۳۸۶۱۳	۰/۳۰۵۸	۰/۴۶۶۴
فرضیه ۱ والدین	۳۲/۳۰۲	۳۵۹	۰/۰۰۰	۰/۹۷۷۰۸	۰/۹۱۷۶	۱/۰۳۶۶

میانگین به دست آمده از عدد دو بیشتر بوده و میانگین اختلاف مثبت است، لذا فرض آماری یعنی فرضیه پژوهشی پذیرفته می‌شود. هم‌چنین با توجه به سطح معنی‌داری جدول مربوط به ضریب پی‌رسون؛ بین عدم آگاهی اولیاء از حقوق خویش در قبال فرزندان و مدرسه و میزان مشارکت رابطه وجود دارد و این رابطه در حد متوسط می‌باشد. در تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، آهنگری فراهانی در سال ۱۳۷۵ در موضوعی دیگر، تحت عنوان بررسی تأثیر آموزش مشارکت اولیاء بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نشان داد که بین آموزش مشارکت اولیاء و پیشرفت تحصیلی فرزندان ارتباط وجود دارد و بین مشارکت و همکاری اولیاء و سطح انضباط و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۱- مربوطه به داده‌های همبستگی فرضیه سوم

عدم آگاهی اولیاء از حقوق خویش در قبال فرزندان و مدرسه		
میزان مشارکت	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی
		۰/۰۴

## ۴-۵- فرضیه چهارم

فرضیه چهارم که به بررسی رابطه بین نگرش سنتی مدیران نسبت به اداره مدرسه و میزان مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان شان پرداخته است، داده‌های جدول ذیل نشان می‌دهد که:

جدول ۱۲- داده‌های مربوط به فرضیه چهارم پژوهش

شاخص‌های آماری						
	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین		
مدیران	۱۷۳	۲/۴۶۸۹	۰/۳۲۱۲۹	۰/۰۲۴۴۳		
اولیاء	۳۶۰	۲/۲۹۱	۰/۵۰۰۰۶	۰/۰۲۳۳۶		
آزمون فرض برای میانگین جامعه						
ملاک آزمون = ۲						
	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف	فاصله اطمینان برای تفاضل میانگین ها	
					کران بالا	کران پایین
فرضیه ۱ مدیران	۱۹/۱۹۷	۱۷۲	۰/۰۰۰	۰/۴۶۸۹۳	۰/۴۲۰۷	۰/۵۱۷۱
فرضیه ۱ والدین	۱۱/۰۴	۳۵۹	۰/۰۰۰	۰/۲۹۰۹۷	۰/۳۳۹۱	۰/۳۴۲۸

میانگین محاسبه شده از عدد دو بیشتر بوده و میانگین اختلاف، مثبت است. لذا فرض آماری یعنی فرضیه پژوهشی پذیرفته می‌شود. هم‌چنین باتوجه به سطح معنی‌داری جدول مربوط به ضریب پیرسون؛ بین نگرش سنتی مدیران نسبت به اداره مدرسه و میزان مشارکت، رابطه وجود دارد و این رابطه، قوی می‌باشد. در تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج تحقیق سبحانی‌نژاد (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی موانع مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس متوسطه شهر اصفهان» نشان می‌دهد که مقوله‌های سطح تلاش مدیر مدرسه برای جذب و آگاه‌سازی والدین، سطح روحیه مشارکت‌جویی مدیر، سبک مدیریتی مدیر و سطح مهارت‌های انسانی مدیر بر میزان مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس تأثیر دارد. ما<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) نیز در پژوهش خود نشان داد که مدیران مدرسه باید از نقش مؤثرشان در مشارکت والدین آگاه بوده و بدانند که انطباق مدیران با آداب، افکار و عقاید والدین،

مشارکت فعال مدیران در انجام امور مختلف و در نهایت، برقراری ارتباطات مثبت با والدین از جمله عوامل مؤثر در گسترش ارتباط خانه و مدرسه و مشارکت فعال والدین در امور آموزشگاه هستند.

جدول ۱۳- مربوطه به داده‌های همبستگی

نگرش سنتی مدیران نسبت به اداره مدرسه		
میزان مشارکت	سطح معنی داری	ضریب همبستگی
		۰/۰۵۵

### ۵-۵- فرضیه پنجم

تحلیل اطلاعات و داده‌های مربوط به این فرضیه که به بررسی رابطه بین عملکرد مسئولین اداره و مدرسه و میزان مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان‌شان پرداخته است، نشان می‌دهد که:

جدول ۱۴- داده‌های فرضیه پنجم پژوهش

شاخص‌های آماری						
	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین		
مدیران	۱۷۳	۲/۶۶۴۷	۰/۴۰۹۰۲	۰/۰۳۱۱		
اولیاء	۳۶۰	۲/۴۶۲۲	۰/۴۶۳۸۶	۰/۰۲۴۴۵		
آزمون فرض برای میانگین جامعه						
ملاک آزمون = ۲						
	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف	فاصله اطمینان برای تفاضل میانگین‌ها	
					کران پایین	کران بالا
فرضیه امدیران	۲۱/۳۷۶	۱۷۲	۰/۰۰۰	۰/۶۶۴۷۴	۰/۶۰۳۴	۰/۷۲۶۱
فرضیه اولیاء	۱۸/۹۰۶	۳۵۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶۲۲۲	۰/۴۱۴۱	۰/۵۱۰۳

میانگین محاسبه‌شده از عدد دو، بیشتر بوده و میانگین اختلاف، مثبت است. این فرضیه نیز، پذیرفته می‌شود. هم‌چنین باتوجه به سطح معنی‌داری جدول همبستگی مربوطه بین عملکرد مسئولین اداره و مدرسه و میزان مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان‌شان، رابطه وجود دارد و این رابطه در

سطح بسیار بالایی برقرار است. در تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، کازلو<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) در پژوهشی به این نتیجه رسید که اگر معلمان، مسئولین، مدیران، والدین و اعضای گروه‌های اجتماعی به‌طور مرتبط باهم جهت بهبود محیط یادگیری فرزندان‌شان در مدرسه فعالیت کنند، میل به برتری در آموزش و پرورش به‌وجود می‌آید.

جدول ۱۵- مربوطه به داده‌های همبستگی

عملکرد مسئولین اداره و مدرسه		
میزان مشارکت	سطح معنی داری	ضریب همبستگی
	۰/۰۷۱	۰/۸۵

#### ۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

ورود کودک به مدرسه، آغاز مرحله نوینی از تعلیم و تربیت است که مسائل بسیاری از جمله شکوفایی استعدادها، آشنایی با هنجارها و ارزش‌های جامعه، اجتماعی‌شدن و دیگر موقعیت‌های جدید را برای کودک به‌همراه دارد. در کنار این تغییر و تحولات، لازم است که والدین نیز در زمینه تعلیم و تربیت فرزندان‌شان مشارکت کامل داشته باشند تا بتوانند جوابگوی نیازهای تربیتی آنها باشند و در نتیجه افرادی شایسته برای جامعه تربیت کنند. نتایج پژوهش حاضر که به بررسی مشارکت اولیاء در امور تحصیلی فرزندان‌شان پرداخته، نشان می‌دهد که عدم آگاهی اولیاء از مزایای مشارکت و حقوق خویش در قبال فرزندان و مدرسه، مشخصات دموگرافیک والدین (به استثنای مشخصه جنسیت)، نگرش سنتی مدیران و نوع عملکرد مسئولین آموزش و پرورش در میزان مشارکت والدین در امور مدارس دخیل هستند.

هم‌چنین، طبق ارزیابی والدین، آگاهی کم اولیاء از مزایای مشارکت، عملکرد مدیران مدرسه در خصوص جذب مشارکت، دغدغه‌های شغلی اولیاء، عدم اعتنا به نظرات اولیاء در مدارس، کم‌رویی و احساس عدم توانایی نسبت به کمک به مدارس از مهمترین موانع مشارکت اولیاء بوده، و بر میزان مشارکت کم آنان تأثیر زیادی دارد.

۱. فراخوان‌ها و دعوت‌های اولیاء به مدرسه در روزهای تعطیل انجام گیرد تا بدین طریق، میزان و انگیزه مشارکت اولیاء در امور مدرسه افزایش یابد.

۲. از آنجا که بعضی از اولیاء شاغل، به دلیل نداشتن فرصت کافی نمی‌توانند در امور مدرسه مشارکت داشته باشند، پیشنهاد می‌شود نسبت به برنامه‌ریزی آموزش مکاتبه‌ای از طریق جزوات و بروشورهای خاص اقدام گردد.

۳. رسیدگی به بعضی از فعالیت‌ها و تکالیف دانش‌آموز منوط به همراهی اولیاء با وی باشد.

۴. دوره‌های ضمن خدمت مجازی و حضوری برای اولیاء باسواد و بی‌سواد در خصوص آگاهی‌دادن به آنان در مورد امور تحصیلی فرزندان‌شان برگزار شود.

۵. از اولیاء فعال درخصوص امور مدرسه و تحصیل، در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی عمومی تجلیل به عمل آید.

#### ۶- پی‌نوشت‌ها

۱ - Participation

۲ - Active Participation

۳ - Arnold

۴ - Casello

۵ - Ma

#### ۷- منابع

- [۱] اسماعیلی، عزیزاله. "همکاری خانه و مدرسه"، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۴.
- [۲] آهنگری فراهانی، رضا. "بررسی تأثیر آموزش مشارکت اولیاء بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان"، طرح پژوهشی آموزش و پرورش بروجرد، ۱۳۷۵.
- [۳] بازیگر، قدرت‌اله. "بررسی رابطه بین عوامل مدیریتی با میزان مشارکت اولیاء دانش‌آموزان در امور مدارس ابتدائی شهرستان نجف آباد"، ۱۳۸۱.
- [۴] بازرگان، حسین. "بررسی راه‌های جلب مشارکت مردمی در امور آموزش پرورش"، تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
- [۵] تاجیک، کمال. "راه‌های اجرایی مشارکت"، تهران، فصلنامه فرهنگ مشارکت، سال پنجم، شماره سوم، ۱۳۷۶.
- [۶] جهانگرد، یداله. "روش‌های مشارکت مطلوب نهادهای اجتماعی"، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره ۷ و ۸، ۱۳۷۵.
- [۷] حسن‌بگلو، بهروز. "بررسی میزان موفقیت و تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده در افزایش اطلاعات و آگاهی‌های شرکت‌کنندگان در کلاس"، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، ۱۳۷۴.
- [۸] سبحانی‌نژاد، مهدی. "بررسی موانع مشارکت اولیاء دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر اصفهان به‌منظور ارائه راه‌کارهای مناسب". سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۳۸۳.

- [۹] سپهری، حسین. "بررسی راه‌های جلب مشارکت مردمی در امور آموزش پرورش"، تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۲.
- [۱۰] شیخ‌زاده، مصطفی. "بررسی تأثیر آموزش‌های خانواده و مدرسه بر پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان ابتدائی شهرستان ارومیه". شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، ۱۳۷۵.
- [۱۱] رهنورد، فرح‌اله. "عوامل بازدارنده مدیریت مشارکتی". مجموعه مقالات همایش توسعه نظام اداری خرداد ۱۳۸۷. تهران. مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۰.
- [۱۲] فریدون، علی اکبر. "بررسی و مقایسه راه‌های جلب مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران و اعضای انجمن اولیاء و مربیان مدارس شهری دولتی و غیرانتفاعی استان سمنان"، تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۵.
- [۱۳] قاسمی پویا، اقبال. "راه‌های حصول به مشارکت مردم در آموزش و پرورش". تهران. پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷.
- [۱۴] قاسمی پویا، اقبال. "مشارکت مردم در آموزش و پرورش". تهران. پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰.
- [۱۵] محمد رضایی، علی اکبر. "بررسی راه‌های جلب مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش استان گلستان". شورای تحقیقات استان گلستان، ۱۳۷۸.
- [۱۶] مرادیان املشی، علی. "بررسی نقش و شیوه‌های مشارکت مردم در بیابان‌زدائی سمنان"، مدیریت ترویج و مشارکت‌های مردمی، جهاد سازندگی استان سمنان، ۱۳۷۲.
- [۱۷] مؤذن‌پور، عسگری "بررسی و مطالعه انتظارات معلمان دوره ابتدایی از اولیاء دانش‌آموزان" تهران. طرح پژوهشی آموزش و پرورش، ۱۳۷۶.
- [۱۸] وفادار، صداقت. "نقش فعالیت‌های اولیاء و مربیان در پیشرفت تحصیلی مدارس راهنمایی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- [۱۹] Arnold, D.L. "A case study of parent involvement in three low-socioeconomic high-percentage Spanish-speaking elementary schools in orang county California", *university of Laverne DAI*, Mar, ۲۰۰۲.
- [۲۰] Casello. D. A. "A case study of site-based decision-making based on perspectives of the participants", ۲۰۰۱.
- [۲۱] Finley, R.B. "Parents perceptions of a change in parental involvement in an urban school", *the university of Oklahoma, DAI*, Apr, ۲۰۰۲
- [۲۲] Ma. Y. "Parent involvement and principals response strategies in elementary school". *Southern Connecticut Stste University*, Ma, Dec, ۲۰۰۱.
- [۲۳] Mercier, Joyce, McDonough., "Family Planning Education, How do Adults Feel About It", *Family Relations* V ۳۳ N ۴ P.۵۲۳- ۵۳۰, EJ ۳۰۹۷۰۰, ۱۹۸۴.